

احیاگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه‌ساز و راه‌برد دولت مهدوی

دکتر بهرام افغان کاظمی*

چکیده

راهبرد احیاء اِیمان الهی و حیات مؤمنانه و توحیدی و ترویج و تقویت آن، جایگاهی اساسی و محوری در زمینه‌سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی دارد و زیربنای دیگر راه‌بردها و دست‌آوردها مانند امنیت فراگیر و همه‌جانبه در دولت مهدوی است، هم‌چنان‌که اِیمان یا امنیت معنوی، در آموزه‌های قرآنی و روایی، سرچشمه و مبنای اصلی تحقق حیات طیبیه و ایمن و همه‌عطایای الهی است. بسترسازی حیات معنوی طیبیه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد چه در حوزه رفتارهای فردی و چه اجتماعی و دور کردن آنان از حیات سیئه و غیرایمانی، اصلی‌ترین سازوکار جامعه آرمانی و موعود اسلامی یا همان حیات طیبیه است و نظام‌های زمینه‌ساز و منتظران باید بکوشند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و تقابل با دشمنان جبهه اِیمان، زمینه‌ساز عصر ظهور گردند. بدیهی است با ظهور مهدی موعود 4، این راهبرد با قوت و اِیقان کامل در جامعه اجرا خواهد شد و زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب مؤمنان به زندگی آن جهانی و اخروی فراهم خواهد گردید.

در نتیجه، احیاء اِیمان الهی و حیات مؤمنانه، اصلی‌ترین عامل زمینه‌ساز و راهبرد تحقق امنیت و حیات طیبیه موعود و دولت مهدوی است و تحقق این نعمت و برکت الهی و تکمیل و تنمیم نبوت و امامت و رسالت‌های معصومان: ، به لطف وجود و ظهور حضرت مهدی 4 صورت خواهد گرفت.

واژگان کلیدی

دولت مهدوی، اِیمان الهی، امنیت، حیات طیبیه، احیاء اِیمان، زمینه‌سازی، راهبرد.

مقدمه

بستر و زمینه‌سازی برای ایجاد شرایط ظهور از وظایف مهم منتظران مهدی موعود 4 در عصر غیبت است. همواره در دوران غیبت، منتظران کوشیده‌اند معنای انتظار فعال و نه منفعلانه را دریابند و راهبردهایی پیشه کنند تا زمینه ظهور امام غایب را فراهم آورند. در این میان، چه راهبردی، محوری برای زمینه‌سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی به شمار می‌رود و زیربنای دیگر راهبردها و دست‌آوردها مانند امنیت همه‌جانبه و فراگیر در این دولت خواهد بود؟

به نظر می‌رسد راهبرد احیای ايمان الهی و حیات مؤمنانه و توحیدی و ترویج و تقویت آن، جایگاهی اساسی و محوری در زمینه‌سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی دارد و زیربنای دیگر راهبردها و دست‌آوردها مانند امنیت فراگیر و همه‌جانبه در دولت مهدوی به شمار می‌رود، هم‌چنان‌که در آموزه‌های قرآنی و روایی، ایمان یا امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تحقق حیات طیبیه و ایمن و همه عطا‌یای الهی است.

احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبیه در قرآن

قرآن کریم به تعامل ایمان الهی و حیات طیبیه و ایمن اشاره فرموده و سرچشمه اصلی حیات طیبیه و امنیت واقعی را در امنیت معنوی و آن را نیز در ایمان به خدا و کسب رضای الهی یاد کرده است. به اعتقاد قرآن، امنیت دنیایی، نسبی است و امنیت واقعی در جهان آخرت برقرار خواهد شد و اگرچه مؤمن در دنیا به ابتلائات و ناامنی‌های ظاهری ممکن است دچار شود، به پشتوانه مدد الهی دارای امنیت و آرامش معنوی است. این امنیت سرچشمه همه امنیت‌ها و آرامش‌ها و زیربنای زندگی پاکیزه و آرمانی قرآنی است. قرآن، امنیت را از برکات نازلۀ الهی بر مؤمنان و مایه افزایش ایمان آنان می‌داند و می‌فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَيَرَدَّادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ)^۱

اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه (أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)^۲ و با اشاره به جملات پیشین این آیه مانند: (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ)، امنیت را در همه ابعاد و به‌ویژه بُعد معنوی آن، مبتنی بر تحصیل ایمان به خدای متعال می‌داند و چنین امنیت معنوی و دست‌آورد ایمانی را مایه سعادت و ایمنی انسان از شقاوت به شمار می‌آورد. به تعبیر وی، هر نفس متحیر و مضطربی با یاد خدا اطمینان و تسکین می‌یابد و احساس نشاط، سلامتی و عافیت می‌کند. این رکن وثیق، سعادت او را ضمانت و تضمین می‌کند و مایه انبساط و آرامش می‌شود، آن‌گونه که نوش‌دارو برای مارگزیده مایه راحتی و آرامش است. علامه عقیده دارد:

راهبرد احیای ایمان الهی و حیات مؤمنانه و توحیدی و ترویج و تقویت آن، جایگاهی اساسی و محوری در زمینه‌سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی دارد و زیربنای دیگر راهبردها و دست‌آوردها مانند امنیت فراگیر و همه‌جانبه در دولت مهدوی به شمار می‌رود

این معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست، مگر این که کار قلب به جایی برسد که در اثر از دست دادن بصیرت و رشدش دیگر نتوان آن را قلب نامید. البته چنین قلبی از ذکر خدا گریزان و از نعمت طمأنینه و سکون مجروم خواهد بود، هم چنان که فرموده: (فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ)^۳ و نیز فرموده (لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا)^۴ و نیز فرموده (نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ)^۵.

علامه با توجه به آیه ۱۲۵ سوره انفال، معنای شرح صدر و توسعه سینه را با ایمان اطمینان قلب و امنیت حاصله یکی دانسته^۶ و معتقد است همان طور که از مضمون آیات برمی آید، این دو با خواست الهی محقق خواهند شد و نتیجه هدایت انسان هستند.^۷ در تفکر قرآنی، ظلم و شرک در مقابل ایمان و امنیت هستند، هم چنان که در سوره انعام می فرماید:

(الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ هُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ)^۸

کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند.

این آیه شریفه، ظلم را شرک و در مقابل ایمان شمرده است و اهتدا و ایمنی از ضلالت و یا عذاب را که اثر ضلالت و گمراهی است، مترتب بر داشتن صفت ایمان و زایل گشتن صفت ظلم برشمرده است.^۹ بدین ترتیب، امنیت و اهتدا تنها بر ایمانی مترتب می شود که صاحبش از هر گونه ظلم برکنار باشد.^{۱۰}

گفته شد که ایمان و امنیت معنوی پایه و مبنای همه امنیت هاست و با اتکا به ذات الهی همگان می توانند خود را سرشار از ایمان کنند و به امنیت واقعی دست یابند. بی دلیل نیست که آیات الهی در معرفی ذات ایمنی بخش الهی، وجود خداوند را با اسامی «سلام» و «مؤمن» یاد کرده اند، هم چنان که در سوره حشر می فرماید:

(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ)^{۱۱}

اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حق خود که] نگهبان [است].

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه سلام به معنای کسی است که با سلام و عافیت با تو برخورد کند، نه با جنگ و ستیز و یا شر و ضرر، و کلمه مؤمن به معنای کسی است که به تو امنیت بدهد و تو را در امان خود حفظ کند.^{۱۲}

بنابه آیات دیگر الهی نیز می توان فهمید که عدم خوف و اندوه و تأمین هدایت و امنیت از دست آوردهای ایمان است که خداوند متعال بدان در آیه شریفه (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)^{۱۳} بشارت داده است. در تفسیر المیزان درباره این آیه و شرح حال این اولیای الهی و هم چنین در بیان صفات مؤمنان مورد خطاب آیه ۸۲ سوره انعام، شرحی آمده است که به خوبی دیدگاه قرآن را درباره امنیت معنوی بیان می کند:

به همین دلیل این گونه اشخاص غرق در نعمت های خدا و غرق در مسرتی هستند که غم و اندوهی با آن نیست و غرق در لذت و سروری هستند که دیگر آلوده به الم و اندوه نیست و غرق در امنیتی هستند که دیگر خوفی با آن نیست؛ چون همه این عوارض سوء وقتی عارض می شوند که انسان سوئی را درک بکند و شر و مکروهی ببیند و کسی که هیچ چیزی را شر و مکروه نمی بیند، او جز خیر و جمیل مشاهده نمی کند و وقایع را جز به مراد دل و موافق با رضا نمی بیند. پس اندوه و ترس و هر سوء دیگر و هر چیز که مایه اذیت باشد، در چنین کسی راه ندارد، بلکه او از سرور و ابتهاج و امنیت به مرحله ای رسیده که هیچ مقیاسی نمی تواند اندازه اش را معلوم کند و جز خدا هیچ کس نمی تواند بر آن احاطه یابد و این مرحله، مرحله ای است که مردم عادی توانایی تعقل و پی بردن به کنه آن را ندارند، مگر به گونه ای تصور ناقص.^{۱۴}

بدین ترتیب، زندگی در پناه ایمان و امنیت معنوی، همان حیات طیبیه است، هم چنان که قرآن نیز فرموده است:

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)^{۱۵}

در همین زمینه در آیه ۹۲ سوره انعام،^{۱۶} استعاراتی آمده است و قرآن ضلالت را به مرگ، ایمان و هدایت یافتن را به زندگی، هدایت به سوی ایمان را به احیا، راه پیدا کردن به اعمال صالح را به نور و جهل را به ظلمت تشبیه کرده است.

بدین ترتیب، عواملی مانند گناه، شرک و ظلم که به ایمان آسیب می‌رسانند، از نشانه‌های حیات سیئه به شمار می‌روند و به امنیت معنوی نیز آسیب می‌رسانند.^{۱۷} از منظر قرآن، در صورتی امنیت معنوی علاوه بر سطح فردی، در سطح اجتماعی و عمومی حکم‌فرما خواهد شد که اعضای جامعه با خداترسی و پیشه کردن تقوا بر تعاون بر محور برّ و تقوا نیز اجتماع کنند. علامه در تفسیر آیه (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ)^{۱۸} و آیه (وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ)^{۱۹} به این معنا اشاره نموده است:

و کلمه تقوا به معنای مراقب امر و نهی خدا بودن است و در نتیجه، برگشت معنای تعاون بر برّ و تقوا به این است که جامعه مسلمان بر برّ و تقوا و یا به عبارتی، بر ایمان و عمل صالح ناشی از ترس خدا اجتماع کنند و این همان اصلاح و تقوای اجتماعی است و در مقابل آن تعاون بر گناه یعنی عمل زشت که موجب عقب‌افتادگی از زندگی سعید است و بر عدوان که تعدی بر حقوق حقّ مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است، قرار می‌گیرد.^{۲۰}

بنابر این عبارات، ایجاد ناامنی برای مردم از مصادیق تعاون بر گناه و دشمنی دانسته شده که هر دو نیز از ویژگی‌های حیات سیئه محسوب می‌شوند.

احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبه در روایات

امنیت در فرهنگ معصومان : همانند امنیت در فرهنگ قرآنی، مفهومی عمیق و گسترده دارد و از اصلی‌ترین زیرساخت‌های حیات طیبه و مؤمنانه به شمار می‌آید و مبنا و سرچشمه اصلی چنین امنیتی، از ایمان الهی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، ابعاد وجودی انسان‌ها را دربر می‌گیرد و دنیا و آخرت را شامل می‌شود. آموزه‌های روایی بیان می‌کنند که اساس، بر امان الهی و ایمان و ایمنی از عذاب و قهر خداوند متعال است تا انسان به اعتماد و اطمینان برسد و صاحب نفس مطمئنه گردد. امنیت اساسی که همان امنیت معنوی است و همچنین حیات طیبه و مؤمنانه با سکینه و با دخول در ابواب دارالسلام امن الهی و احیای قلب و مبارزه با نفس و شهوات و سیر و سلوک الی الله و وصل به مدارج کمال و معرفت و شهود محاضر قدس میسر است. در میدان آزمون دنیا و سرای آخرت، مؤمن کسی است که با هدایت و مدد الهی از بیشترین ایمان یا امنیت معنوی سود می‌جوید. گفتنی است بعضی از روایات ایمان را به شمشیری همیشه آماده در آزمون دنیا تعبیر کرده‌اند، همچنان که امام علی ۷ می‌فرماید:

ایمان ریشه حق و حق راه هدایت است. شمشیر ایمان شمشیری آراسته و زینده و سلاحی همیشه آماده است؛ زیرا که دنیا میدان آزمون آن است.^{۲۱}

همچنین امام صادق ۷ در بیان چرایی نهادن نام مؤمن بر انسان باایمان فرموده است وی از خدا امان می‌خواهد و خدا به او امان می‌دهد^{۲۲} و چون از عذاب خدا در امان

امنیت در فرهنگ
معصومان : همانند
امنیت در فرهنگ
قرآنی، مفهومی
عمیق و گسترده
دارد و از اصلی‌ترین
زیرساخت‌های حیات
طیبه و مؤمنانه به
شمار می‌آید و مبنا و
سرچشمه اصلی چنین
امنیتی، از ایمان الهی
سرچشمه می‌گیرد

است و روز قیامت خود را در امان خدا درمی آورد، خدا امان خواهی او را می پذیرد.^{۳۳}

امام علی 7 در عباراتی گوناگون امنیت اساسی و معنوی را نتیجه ایمان دانسته و آن را به افرادی نوید داده که خداوند را پناهگاه خود می دانند:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ مَنْ اسْتَصْحَحَ اللَّهَ وَفَّقَ وَمَنِ اتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هَدَىٰ لِلتِّي هِيَ أَقْوَمُ فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ وَعَدْوُهُ خَائِفٌ؛^{۳۴}

ای مردم! هرکس خدا را ناصح و خیرخواه خود قرار دهد، موفق می شود و هرکسی قول او را دلیل و راهنما قرار دهد، به استوارترین راه هدایت خواهد شد. کسی که خود را در پناه خداوند قرار دهد، در امنیت و آرامش خواهد بود و هرکس دشمن خدا باشد، خائف و هراس ناک است.

امام علی 7، نتیجه ایمان پویندگان راه خدا و مؤمنان را احیای عقل و قلب و میراندن شهوات و دست یافتن به امنیت و آرامش روح و جسم می داند:

قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَأَمَاتَ نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ وَلَطْفُ غَلِيظِهِ، وَبَرَقَ لَهُ لَامَعٌ كَثِيرُ الْبَرْقِ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقُ، وَسَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَتَدَافَعَتِ الْأَبْوَابُ إِلَى بَابِ السَّلَامَةِ، وَدَارَ الْإِقَامَةِ، وَثَبَّتَ رَجُلَاهُ بِطُمَأْنِينَةٍ بَدَنَهُ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَالرَّاحَةِ، بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبُهُ، وَأَرْضَى رَبَّهُ؛^{۳۵}

[پوینده راه خدا] عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت تا آنجا که جسمش لاغر و خشونت اخلاقی به نرمی گرایید، برقی پرنور برای او درخشید و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند و از دری به دری دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن استوار شد. این، پاداش آن بود که دل را به درست به کار گرفت و پروردگار خویش را راضی کرد.

امام علی 7 مسائلی مانند فقر، مرض و بیماری قلب را بزرگترین محرومیت ها می داند، همان طور که بزرگترین دردهای باطنی انسان ها را کفر، شقاق، ضلال و نفاق می شمارد و

این امر را از عوامل تهدیدکننده ایمان و امنیت و طمأنینه نفس، امنیت روح و روان و جسم و جان انسان ها می شناسد. در جای دیگر می فرماید:

أَلَا وَ إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدَّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدَّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ؛^{۳۶}

آگاه باشید که فقر نوعی بلاست و سخت تر از تنگ دستی، بیماری تن و سخت تر از بیماری تن، بیماری قلب است. آگاه باشید که همانا، عامل تن درستی، تقوای دل است.

بنابر روایات، خاستگاه امنیت معنوی فرد مؤمن و باتقوا، خوف الهی است. این خوف نیز با تأمین و تحصیل ایمان الهی، تعامل کاملاً مستقیمی دارد. هر قدر مؤمن از خدا ترسان باشد، از غیر خدا نمی ترسد و دیگران او را صاحب هیبت می دانند. در ادامه به روایات دلالت کننده بر این مطالب، اشاره مختصر می شود:

به فرموده پیامبر اکرم 6، خدای متعال می فرماید:

به عزت و جلال قسم که یک بنده را دو امنیت و دو ترس با هم ندهم. اگر در دنیا از من ایمن است، در روزی که بندگانم را جمع کنم، او را بترسانم و اگر در دنیا از من بترسد، روزی که بندگانم را جمع نمایم، ایمنش کنم^{۳۷}... هر که از خدا ترسد، خدا همه چیز را از او بترساند.^{۳۸}

پیامبر اکرم 6 در عبارت دیگری امید و خوف را برای مؤمن سرچشمه سعادت و امنیت یاد کرده است:

مَنْ رَجَا اللَّهَ سَعِدَ وَمَنْ خَافَ اللَّهَ أَمِنَ وَ هَالِكُ الْمَغْرُورِ مَنْ رَجَا غَيْرَ اللَّهِ وَ خَافَ سِوَاهُ؛^{۳۹}

هرکس به خدا امیدوار است، به سعادت راه یافته و کسی که پروای الهی دارد، به امنیت می رسد و سرنوشت فرد مغروری که به غیر خدا امید بسته و از غیر خدا خوف و خشیت دارد، هلاکت است.

علی 7 نیز ضمن این که ایمان را مایه امنیت می داند (من آمن امن)،^{۴۰} خوف الهی را مایه امنیت می شمارد و مردم را به محاسبه نفس، عبرت گیری و بصیرت ورزی و تفهم و تعلم - که در یک راستا و متعامل با هم هستند - توصیه می فرماید:

مَنْ حَاسِبَ نَفْسَهُ رِيحٌ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرٌ وَمَنْ خَافَ

أَمِنْ وَ مَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ وَ مَنْ أَبْصَرَ فَهَمَّ وَ مَنْ فَهَمَّ عِلْمٌ؛^{۳۱}
کسی که به محاسبه نفس بپردازد، سود برده است و کسی که از این کار غفلت ورزد، دچار خسران می‌شود و کسی که خوف الهی داشته باشد، ایمن می‌گردد و کسی که عبرت گیرد، بینا می‌شود و کسی که بینا گردد، فهمش بالا می‌رود و در این صورت دانا می‌گردد.

امام حسین 7 هم در این زمینه می‌فرمایند:

و لَا تَخَافَنَّ إِلَّا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنْتَ فِي حَرْزٍ وَ أَمَانٍ؛^{۳۲}
از غیر خدای عزوجل به هیچ‌وجه نترس، آن‌گاه در حرز و امان خواهی بود.

امام موسی بن جعفر 7 اعتقاد به وحدانیت الهی و جمله «لا اله الا الله» را مایه امنیت دنیوی و اخروی مؤمن می‌داند:

إِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَمِنْ لِلْمُؤْمِنِ فِي حَيَاتِهِ وَ عِنْدَ مَوْتِهِ وَ حِينَ يَبْعَثُ؛^{۳۳}
به درستی که «لا اله الا الله» مایه امنیت و امان مؤمن در زندگی و هنگام مرگ و زمان برانگیختگی وی در روز رستاخیز است.

مشابه این روایت، روایتی به نقل از امام رضا 7 از پیامبر 6 است که خداوند عزوجل می‌فرماید:

كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَصْنِي فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حَصْنِي وَ دَخَلَ حَصْنِي أَمِنْ مِنْ عَذَابِي؛^{۳۴}

کلمه «لا اله الا الله» برج و باروی من است و هرکس آن را بگوید در برج و باروی من وارد شده و هرکس داخل آن شود، از عذاب الهی در امان است.

در نقل قول‌های دیگر از امام رضا 7 در ادامه این حدیث آمده است که «بشروطها و أنا من شروطها»^{۳۵} یعنی امنیت از عذاب الهی بر شروطی متکی است و اعتقاد به ولایت و امامت من از جمله این شروط است.

همان‌طور که در بخش آیات ذکر گردید، در روایات هم «سلام»، شعار و پرچم صلح‌خواهی و امنیت مؤمنان و مسلمانان و از نشانه‌های حیات طیبه در دنیا و آخرت است. از پیامبر 6 روایت کرده‌اند که فرمود:

الْمُؤْمِنُ يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ وَ الْمُنَافِقُ يَقُولُ حَتَّى يَبْدَأَ بِی؛^{۳۶}
مؤمن ابتدا به سلام می‌کند و منافق می‌گوید باید به من سلام کنند.

روایات بسیاری بر استحباب پیشی‌جستن بر سلام کردن آمده است، هم‌چنان که امام حسین 7 در روایتی به نقل از پیامبر اکرم 6 ، پیشی‌گیرنده بر سلام را نزد خدا و رسولش مقدم می‌شمارد و بنابه روایت پدر گرامی‌شان امام علی 7 : برای هر سلام کردن هفتاد حسنه است که ۶۹ تا از آن برای سلام‌کننده و تنها یکی برای پاسخ‌دهنده

روایات بسیاری
بر استحباب
پیشی‌جستن بر
سلام کردن آمده
است، هم‌چنان‌که
امام حسین 7 در
روایتی به نقل از
پیامبر اکرم 6 ،
پیشی‌گیرنده بر
سلام را نزد خدا
و رسولش مقدم
می‌شمارد

است. امام حسین 7 در این حدیث سلام را قبل از شروع به هر سخنی لازم دانسته (السلام قبل الکلام) و می‌فرماید:

السَّلامُ تَحِيَّةٌ لِّمَلَّتِنَا وَ أَمَانٌ لِّدَمَّتِنَا؛^{۳۷}
سلام، تحیت ملت ما و امان و امنیتی است که بر عهده ماست.

قرآن و روایات امنیت معنوی را به مؤمن نوید می‌دهند. به فرموده امام علی 7 «مؤمن ساده‌دل، بزرگوار، امین نفس خویش و همواره ترسان و اندوه‌گین است».^{۳۸} با وجود این، همه چیز برای وی کرنش می‌کند، چنان‌که امام صادق 7 می‌فرماید:

همه اشیا برای مؤمن کرنش می‌کنند و همه اشیا به او احترام می‌گذارند. اگر برای خدا اخلاص و رزد، خداوند همه چیز را از او هراسان سازد، حتی حشرات و خزندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان و ماهیان دریا را...^{۳۹} و آنها در برابر مؤمن خاضع و تسلیمند.^{۴۰} مؤمن کسی است که هر چیزی از او بیمناک، زیرا او در دین خدا قدرت‌مند و عزیز است، از هیچ چیز نمی‌ترسد و این نشانه هر مؤمنی است.^{۴۱}

پیامبر اکرم 6 می‌فرماید:

مؤمن در هنگام خوشی و آسایش سپاس‌گزار است و در هنگام گرفتاری و بلا، شکایت و در زمان ناز و نعمت ترسان است.^{۴۲}

مؤمن زاهد است و «ثمره زهد آسایش است»^{۴۳} همان‌طور که

امام صادق 7 می‌فرماید:

آسایش برای مؤمن در دنیا محال است.^{۴۴}

امام سجاد 7 می‌فرماید:

آسایش در دنیا و برای اهل دنیا خلق نشده، بلکه در بهشت و برای بهشتیان آفریده شده است.^{۴۵}

از این رو می‌توان فهمید که وجود امنیت معنوی برای مؤمن در دنیا، با دچار شدن وی به ابتلائات مختلف ناسازگاری ندارد، بلکه مؤمن بنابه روایات و در آزمون‌های سخت دنیایی، ممکن است با مخاطرات و حتی ناامنی‌های دنیایی روبه‌رو شود و حتی رنگ آسایش دنیوی را هم نبیند. بنابه روایات، حتی نفس مؤمن نیز از او در رنج است، چنان‌که پیامبر اکرم 6 می‌فرماید:

مؤمن کسی است که نفسش از او در رنج است و مردم از او در آسایش هستند.

بنابر این روایات، احیاگری ایمان و حیات طیبۀ توحیدی از اصلی‌ترین سازوکارهای زمینه‌سازی ظهور و ایجاد دولت امنیت‌گستر و ایمانی مهدوی به شمار می‌آید. اگرچه مؤمنان منتظر در عصر غیبت با ناگواری‌ها و ابتلائات فراوانی روبه‌رو می‌شوند، باید استقامت و رزند و راهبرد توحیدی و احیاگرانه ایمانی خود را به‌منزله اصلی‌ترین و مبنایی‌ترین اقدام خود، استمرار و تقویت بخشند تا این راهبرد با ظهور امام موعود 4، با قوت و گستردگی جهانی دنبال و تثبیت شود و حاکمیت توحیدی بر سراسر عالم مستولی گردد.

احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبۀ در دولت مهدوی

بنابر روایات، درباره دوران ظهور راهبرد احیای ایمان الهی و حیات مؤمنانه، تأثیری اساسی در زمینه‌سازی ظهور امام عصر 4 دارد، بلکه این راهبرد با قوت و قدرت ایشان تا حاکمیت نهایی توحید بر عالم، دنبال خواهد شد. لذا بدون هیچ تردیدی در حکومت جهانی مهدوی، اسلام آیینی مطلق، برتر و متعالی به جهانیان شناسانده می‌شود و آنان نیز آن را می‌شناسند و می‌پذیرند. لذا جهان‌گیری اسلام و محو شرک از اصلی‌ترین ویژگی‌های دولت مهدوی است و دین اسلام در آن عصر طلایی، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود، هم‌چنان‌که پیامبر 6 می‌فرماید:

فرمان‌روایی او شرق و غرب عالم را دربر می‌گیرد؛ خداوند به‌واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می‌گرداند و در زمین خرابه‌ای باقی نمی‌ماند و همگی آباد می‌شود.^{۴۶}

هم‌چنین محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعة بن موسی روایت می‌کند که امام صادق 7 در تفسیر آیه: (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا) فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی بر روی زمین نمی‌ماند، مگر این‌که کلمه طیبۀ «لا اله الا الله محمد رسول الله» در آن‌جا به آواز بلند گفته می‌شود.^{۴۷}

امام صادق 7 ضمن بیان مفصلی درباره عصر ظهور حضرت

مهدی 4 می‌فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند ... اهل هیچ دینی باقی نمی‌ماند، مگر این که اظهار اسلام می‌کنند و با ایمان مشهور و معروف می‌گردند.^{۴۸}

همچنین بنابر روایتی دیگر، ایشان می‌فرماید:

از پدرم (امام باقر 7) درباره این آیه «با همه مشرکان مبارزه کنید، چنان که همگی به مبارزه شما برخاستند تا این که در زمین فتنه‌ای باقی نماند و دین و آیین از آن خدا باشد» پرسیدند. او فرمود: تفسیر این آیه هنوز فرا نرسیده؛ چنان که قائم قیام نماید، کسانی که او را درک می‌کنند، چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین محمد 6 مانند پایان شب به صبح صادق روشن خواهد شد و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند.^{۴۹}

امام باقر 7 نیز فرموده است:

در زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند مگر این که آباد گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی‌ماند مگر این که دچار حریق گردد و می‌سوزد.^{۵۰}

همچنین امام صادق 7 ضمن پاسخ به سؤال‌های مفضل و قابل تطبیق دانستن آیه

۳۳ سوره توبه با عصر حکومت جهانی مهدی 4 به وی می‌فرماید:

... یاد می‌کنم مفضل! هر آینه اختلاف ملت‌ها و دین‌ها از میان برداشته می‌شود و همه دین برای خدا و یکی می‌گردد، چنان که خدای تعالی فرموده: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)^{۵۱} «دین در نزد خدا، اسلام است و بس».

همچنین قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)^{۵۲}
و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیان‌کاران است.

از روایت‌های پیرامون حکومت جهان‌شمول حضرت مهدی 4 فهمیده می‌شود که با حاکمیت توحید و حیات ایمانی، ناامنی و هراس از زندگانی آحاد بشری رخت برمی‌بندد و امنیتی فراگیر در سراسر گیتی برقرار می‌گردد، هم‌چنان که امام علی 7 درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و دیگر برکت‌هایی مانند عدالت می‌فرماید:

اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن‌چنان که باید ببارد می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل بندگان زدوده می‌شود و میان دد و دام آشتی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می‌گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت‌هایش را بگذارد و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند.^{۵۳}

زمین در عصر مهدوی با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می‌شود و با نور

از روایت‌های
پیرامون حکومت
جهان‌شمول حضرت
مهدی 4 فهمیده
می‌شود که با
حاکمیت توحید و
حیات ایمانی، ناامنی
و هراس از زندگانی
آحاد بشری رخت
برمی‌بندد و امنیتی
فراگیر در سراسر
گیتی برقرار می‌گردد

الهی منور و تابان می‌گردد. با این وصف، حکومت ظلم‌ستیز و عدالت‌محور مهدوی، بر مبنای تطهیر زمین از هرگونه آلودگی و انحراف بوده و آن را به وضعیتی آرمانی برگشت خواهد داد و از طهارت و حیات طیبه آن حفاظت خواهد کرد.

امام رضا ۷ در تأیید مراتب فوق می‌فرماید:

يَطْهَرُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَإِذَا خَرَجَ، (أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا) وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ هُوَ الَّذِي تَطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ؛^{۵۴}

خداوند به واسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزه می‌نماید... پس هنگامی که وی خروج کند، زمین با نور پروردگار نورانی می‌شود و ترازوی عدالت در میان مردم حکم‌فرما می‌گردد. پس از آن، دیگر کسی به دیگری ظلم نمی‌کند و او کسی است که زمین برایش درنور دیده می‌شود.

از آن‌جا که حکومت جهانی مهدوی الهی است، نخستین مبنا و شالوده فکری و عقیدتی آن خداپرستی است و از این‌رو، دولت مزبور، ابزاری در خدمت اهداف دینی، احیای توحید و حیات مؤمنانه است و در آن، فضیلت و هدایت‌گرایی و مقابله با امیال شیطانی در اوج خواهد بود:

او (حضرت مهدی ۴) خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد... زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر ۶ را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند.^{۵۵}

بدین ترتیب، در حکومت دین‌سالار مهدوی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و بنابه روایات، با از بین رفتن زمینه‌های بسیاری از گناهان، دروازه‌های برکت بر عالمیان گشوده خواهد شد. امیر مؤمنان ۷ در این باره می‌فرماید:

مهدی ۴ فرماندهان (فرمان‌داران) را به شهرها می‌فرستد

تا به عدالت بین مردم حکم کنند. گوسفند یا گاو یک‌جا خواهند بود؛ بچه‌ها با عقرب و مار بازی می‌کنند، بدون آزار و اذیت... بدی می‌رود و خوبی باقی می‌ماند؛ رونق کشاورزی بی‌اندازه می‌شود؛ زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی‌بندد؛ مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می‌آورند؛ نماز جماعت رونق می‌گیرد؛ عمرها طولانی می‌شود؛ امانات ادا می‌شود؛ درختان پرمیوه می‌شوند؛ برکات فراوان می‌گردد؛ اشرار نابود می‌شوند؛ اختیار باقی می‌ماند؛ دشمنان اهل بیت : باقی نمی‌مانند.^{۵۶}

بر مبنای این روایات و توضیحات می‌توان پذیرفت که حکومت مهدوی، جهانی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام در نزد همه مردم جهان و عالم‌گیر شدن آن، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خداست و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی است.

حضرت مهدی ۴ به منزله مظهر انسان کامل، عالی‌ترین و عادلانه‌ترین نوع مدیریت را عرضه می‌کند. پیش‌رفت‌ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزه از هر نوع عیب و نقص (مانند احساسات حیوانی، خشم، غضب بی‌جا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی) است. او سرآمد پارسایان است و نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیاکننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است.

بنابر این، با حاکمیت توحید و احیای ایمان و حیات مؤمنانه در دولت مهدوی، تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی از میان می‌رود و همه مؤمنان، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خداوند متعال خواهند بود. بنابر حکومت واحد جهانی، زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه به نام حیات طیبه مهدوی اداره می‌شود.

نتیجه

بر مبنای یافته‌های این نوشتار و اثبات مفروض آن، می‌توان

تصریح کرد که راهبرد احیای امان الهی و حیات مؤمنانه و توحیدی و ترویج و تقویت آن، تأثیری اساسی و محوری در زمینه‌سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی دارد و زیربنای دیگر راهبردها و دست‌آوردها مانند امنیت فراگیر و همه‌جانبه در دولت مهدوی است، هم‌چنان‌که بنابر آموزه‌های قرآنی و روایی، ایمان یا امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تحقق حیات طیبه و ایمن و همه عطا‌یای الهی است.

در حقیقت، آیات و آموزه‌های قرآنی این نکته بسیار مهم را بیان می‌کنند که حیات طیبه و هرگونه امنیتی، در نهایت از ایمان و اعتقادات معنوی و الهی سرچشمه می‌گیرد و حیات سیئه و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالأخره علتش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی‌گردد. از سویی، مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیتی‌زاست.

بنابر نتیجه‌پایانی، بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد، چه در حوزه رفتارهای فردی و چه اجتماعی و دوری آنها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی‌ترین سازوکار جامعه‌آرمانی و موعود اسلامی یا همان حیات طیبه است و نظام‌های زمینه‌ساز و منتظران باید بکوشند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و تقابل با دشمنان جبهه‌ایمان، زمینه‌ساز عصر ظهور گردند. بدیهی است با ظهور مهدی موعود 4، ایشان این راهبرد را با قوت و اتقان کامل، به پیش خواهند برد و زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب مؤمنان را به زندگی آن جهانی و اخروی تمهید می‌سازند.

از آن‌جا که همه آیات الهی و روایات معصومان به‌طور صریح بر تعامل مثبت بین احیای ایمان الهی و حیات مؤمنانه با تحقق امنیت و حیات طیبه تأکید دارند، در ذیل این راهبرد اصلی، سازوکارهای زیر را به‌طور خلاصه از عوامل زمینه‌ساز دولت مهدوی و راهبردهای این حکومت می‌توان شمرد:

۱. دستیابی به ایمان واقعی به‌منزله مایه اصلی نزول برکات الهی از جمله امنیت و طمأنینه معنوی و ایمنی از ضلالت و عذاب و تحصیل حیات طیبه موعود الهی؛ بسیاری از آیات قرآنی^{۵۷} و روایات، این ایمان واقعی را تشریح کرده‌اند و بدیهی است دستیابی به امنیت معنوی نیاز به تحقق ایمان مزبور دارد. برای نمونه، امام علی 7 در جایی چهار رکن ایمان را توکل بر خدا، واگذاشتن کارها به خدا، گردن نهادن به فرمان خدا و راضی بودن به قضای خدا^{۵۸} ذکر کرده است و در جای دیگر فرموده: عزت نفس، خویشستن‌داری و خرسند بودن به‌قدر کفاف از پایه‌های ایمان است.^{۵۹} پیامبر اکرم 6 ایمان را دارای ده رکن شناخت، فرمان‌بری از خدا، علم، عمل، پاک‌دامنی، سخت‌کوشی، شکیبایی، یقین، خوشنودی و تسلیم (در برابر خدا) می‌داند و می‌فرماید اگر هریک از این ده رکن کم شود، رشته ایمان از هم پاشیده می‌شود.^{۶۰} از نظر امام صادق 7 پارسایی، ایمان را در بنده استوار و طمع و آزمندی، ایمان را از دل بیرون می‌کند، هم‌چنان‌که علایم پنج‌گانه مؤمن از دیدگاه امام چهارم 7 پارسایی در خلوت، صدقه دادن هنگام

در حقیقت، آیات و آموزه‌های قرآنی این نکته بسیار مهم را بیان می‌کنند که حیات طیبه و هرگونه امنیتی، در نهایت از ایمان و اعتقادات معنوی و الهی سرچشمه می‌گیرد و حیات سیئه و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالأخره علتش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی‌گردد

تنگ‌دستی، صبر هنگام مصیبت و حلم و روزی هنگام عصبانیت و صداقت‌ورزی در زمان خوف است.^{۶۱}

البته این ارکان و ویژگی‌های ایمان و مؤمنان برای نمونه ذکر شد و واضح است کسب این صفات و ارکان، شرط اصلی دستیابی به امنیت معنوی و زمینه‌سازی و تحقق حیات طیبه موعود قرآنی و مهدوی است.

۲. انجام اعمالی صالح و اعتقاد به وحدانیت الهی و عدم پرسش غیر خدا؛

امین نفس خود بودن، احیای قلب و می‌راندن شهوات و جلوگیری از بیماری‌های نفسانی و قلبی و دردهای باطنی، مانند شقاوت، ضلالت و نفاق که بنابه متون اصیل اسلامی از عوامل تهدید ایمان و طمأنینه و امنیت معنوی هستند.

در این زمینه احادیث فراوانی وجود دارد. از جمله پیامبر اعظم ۶ می‌فرماید:

هرکس بیشترین فکر و تلاشش، رسیدن به خواسته‌های نفسانی باشد، حلاوت ایمان از قلبش گرفته می‌شود.

یا امام صادق ۷ فرموده است:

چشیدن شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرام گشته، مگر آن‌گاه که دل‌هایتان از دنیا روی گردان شوند...^{۶۲}

بی‌گمان بنده به سبب یکی از پنج کار که همگی مانند هم و شناخته‌شده هستند، از ایمان خارج می‌شود: کفر، شرک. گمراهی، فسق و ارتکاب کبائر.^{۶۳}

۳. از ابتلائات دنیایی نهراسیدن و چشم‌داشت به بهشت به منزله سرای واقعی سعادت و امنیت و فریفته ناز و نعمت دنیا نشدن و به آسایش ظاهری دنیا دل‌نستن و پیشه کردن زهد؛

۴. برخورداری از شعار همیشگی «تحیت و سلام» در رفتارهای فردی و اجتماعی و تقدم‌جویی بر آن؛

بر این مبنا، منتظران واقعی و هم‌چنین شهروندان مؤمن دولت مهدوی، متصف به شعار سلام، صلح‌جویی و مسالمت‌خواهی هستند، همان‌طور که شعار بهشتیان نیز سلام است.

۵. شکر و سپاس‌گزاری نعمات الهی و اجتناب از کفران و ناسپاسی برای برکات و نعمت‌هایی که خداوند ارزانی بندگان خود نموده است؛

در روایات بسیاری شکرگزاری این نعمات، مایه دوام آنها و

باعث ایجاد امان و امنیت از غیر خدا دانسته شده است. در این زمینه امام حسین ۷ ضمن سفارش فراوان به ضرورت سپاس از نعمت‌ها می‌فرماید:

لا زوال للنعماء إذا شكرت و لا بقاء لها إذا كفرت و

الشكر زيادة في النعم و أمان من الغير؛^{۶۴}

هنگامی که از نعمت‌ها شکرگزاری کردید، آنها پایان نمی‌پذیرد و اگر به آنها کفر و ناسپاسی ورزیدید، باعث نابودی آنها می‌شود. شکرگزاری مایه زیادی نعمت‌ها و ایجاد امنیت و ایمنی از دیگران می‌گردد.

ع داشتن پروای الهی و عدم خوف از غیر خدا؛

ایمان و امنیت معنوی مقتضی آن است که مؤمن همیشه ضمن پروای الهی از غیر خدا نیز خوف نداشته باشد. البته در روایات، ترس الهی که برخلاف «جبن» است، تقسیماتی دارد، از جمله می‌فرماید:

ترس پنج‌گونه است: خوف، خشیت، وجل، رهبت و هیبت. خوف از آن گناه‌کاران است، خشیت ویژه دانش‌مندان، وجل از آن فروتنان و خاشعان و رهبت از آن عابدان و هیبت از آن عارفان...^{۶۵}

۷. قرائت آیات الهی و دعا‌های مأثوره و توسل و تمسک به آنها؛

در بسیاری از روایات خواندن برخی آیات و دعاها سازوکارهای تأمین امنیت معنوی و حتی مادی ذکر گردیده است. برای مثال در روایات آمده که مسافر با خواندن سوره «ذاریات» در سفر ایمن خواهد ماند^{۶۶} و یا امام صادق ۷ فرموده است که خواندن سوره «ممتحنه» در سفر، مسافر را تا برگشت به خانه‌اش از حوادث سفر ایمن می‌دارد و خواندن سوره «نوح» باعث تسهیل و گشایش در سفر می‌شود.^{۶۷} امام علی ۷ نیز خواندن سوره نساء را در روز جمعه مایه امان و ایمنی از فشار قبر به شمار آورده است.^{۶۸} هم‌چنین در روایات خود جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» برای مسلمانان امان دانسته شده که با خواندن آن در امان قرار می‌گیرند. در این روایات درباره علت حذف «بسم الله الرحمن الرحيم» از سوره براءت چنین آمده است:

أن «بسم الله الرحمن الرحيم» أمان و البراءة كانت إلى

المشركين فأسقط منها الأمان؛^{۶۹}

چون «بسم الله الرحمن الرحيم» امان است و در سورة براءت، از کافران براءت جسته می شود و به همین دلیل حذف شده است.

کلمه امنیت و امان نیز به وفور در ادعیه وارد شده است. در ادعیه معصومان جملاتی مانند «یا محی الموتی»، «یا ولی الصالحین و یا امان الخائفین و یا مجیب المضطربین» و «یا لجأ اللاجئین» آمده است. همین توجه به سرچشمه امنیت در زیارت امام حسین 7 در عید فطر مشهود است، آن جا که می فرماید: «یا مولای ایتیک خائفاً فآمنی». درباره تأثیر خواندن دعای جوشن کبیر و تأمین امنیت در بحار الانوار آمده که امام علی 7 می فرماید:

پیامبر در بعضی غزوه ها از جوشن و لباس جنگی سنگین در رنج بود و خدا جبرئیل را به پیامبر نازل کرد و جبرئیل به ایشان گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام می کند و می گوید که این جوشن را از تن خارج کن و این دعا (جوشن کبیر) را بخوان و این دعا امانی برای تو و امت است. پس هر کس هنگام خروج از منزل بخواند، با آن را با خود حمل کند، خداوند او را در حفاظت خویش قرار می دهد و بهشت را بر او واجب می کند و به او توفیق انجام اعمال صالح را عطا می فرماید.^{۷۰}

از سویی در روایات، زیارت امام حسین 7 آن هم حداقل سه بار در سال مایه امنیت از فقر شمرده شده است،^{۷۱} هم چنان که از امام موسی بن جعفر روایت شده که «اولادتان را با تربت حسین 7 کام بگشایید؛ زیرا مایه امان و حفظ او خواهد بود».^{۷۲}

از امامان معصوم : نیز ادعیه ای به عنوان «حرز» و امان ذکر شده که مؤمنان با خواندن یا حمل آنها در امان و حفاظت الهی خواهند بود. برای مثال، امام صادق 7 با ذکر «حرز» و دعای مربوطه فرموده است که «این حرز جلیل و دعایی عظیم است و هر کس صبح آن را بخواند، تا وقت عشا در امان الهی است و هر کس موقع عشا آن را بخواند، تا صبح در محافظت خدای متعال قرار خواهد گرفت».^{۷۳}

به خوبی می توان فهمید که از وظایف منتظران واقعی، قرائت آیات الهی و دعاها، مأثوره و توسل و تمسک به آنها برای دستیابی به حیات طیبه موعود الهی است، هم چنان که این راهبرد و عبادت های طولانی و شب زنده داری های عابدانه، در زمان ظهور با قوت و کثرت تمام، توسط امام عصر 4 و یاران ایشان و دیگر مؤمنان دنبال می شود.

۸. تمسک به امامت و ولایت امامان معصوم : و دوست داری آنان؛

این مورد نیز از سازوکارهای تحقق حیات طیبه و تأمین امنیت در همه ابعاد آن به ویژه بُعد معنوی و ایمانی آن است؛ زیرا در تفکر شیعی و بنابه آیه سوم سورة مائده، اکمال و تکمیل دین با امامت و جانشینی علی 7 و فرزندان و ائمه دوازده گانه محقق خواهد شد. پیامبر اکرم 6 در بسیاری از روایات با تصریح به این مطلب، اهل بیت : را مایه

به خوبی می توان فهمید که از وظایف منتظران واقعی، قرائت آیات الهی و دعاها، مأثوره و توسل و تمسک به آنها برای دستیابی به حیات طیبه موعود الهی است

امان و امنیت امت خویش و حتی ساکنان زمین به شمار آورده‌اند، از جمله فرموده‌اند:

وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛^{۷۴}

اهل بیت من مایه امان ساکنان زمین هستند.

وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الضَّلَالَةِ فِي أَدْيَانِهِمْ؛^{۷۵}

و اهل بیت من مایه امان آنها از گمراهی و ضلالت در دیانت‌هایشان هستند.

أَمِنْ لِمَنِ التَّجَاؤُ إِلَىٰ هِمٍّ وَأَمَانٌ لِمَنِ تَمَسَّكَ بِهِمْ؛^{۷۶}

هرکس به اهل بیت من پناه برد، در امان است و امنیت نصیب کسانی می‌شود که به آنان تمسک کرده‌اند.

وَلَايَتِي وَوَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ؛^{۷۷}

ولایت من و ولایت اهل بیت مایه امان و ایمنی از آتش جهنم است.

إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لَكُمْ فَأَحْبَبُوهُمْ بِحَبِّي وَتَمَسَّكُوا بِهِمْ

لَنْ تَضَلُّوا؛^{۷۸}

به درستی که اهل بیت من مایه امان برای شما هستند، پس همان‌طور که مرا دوست دارید، آنها را نیز دوست بدارید و در نتیجه، هرگز گمراه نخواهید شد.

امام زین‌العابدین ۷ در تأیید ضرورت تکمیل ایمان با تمسک به امامت برای دستیابی به رحمت و برکات وافر الهی و امنیت جامع، در عبارتی بسیار زیبا فرموده‌اند:

نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَسَادَةُ

الْمُؤْمِنِينَ وَقَادَةُ الْغَرِّ الْمُحِبِّلِينَ... نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ

الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَنَحْنُ الَّذِينَ

بَنَّا يَمْسُكُ اللَّهُ (السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ) وَ

بَنَّا يَمْسُكُ الْأَرْضُ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبَنَّا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ

بَنَّا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي

الْأَرْضِ مَنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛^{۷۹}

ما امامان مسلمانان و براهین الهی بر جهانیان و سروران مؤمنانیم. ما رهبر شریف‌ترین مسلمانان و... مایه امان

ساکنان زمین هستیم، همان‌طور که ستارگان مایه امان و حفظ اهل آسمان‌ها هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را از سقوط به روی زمین نگه داشته است و این به اجازه خداوند بستگی دارد. خداوند توسط ما زمین را از این‌که اهلش را با امتداد یافتن نابود کند، نگه داشته است و به واسطه ما باران می‌فرستد و رحمت خویش را بر مردم می‌گستراند و به واسطه ما برکات زمین خارج و ظاهر می‌شود و اگر ما بر روی کره خاکی نبودیم، زمین اهل خود را فرومی‌برد.

بدین ترتیب، احیای ایمان الهی و حیات مؤمنانه، اصلی‌ترین عامل زمینه‌ساز و راه‌برد تحقق حیات طیبیه موعود و دولت مهدوی است و تحقق این نعمت و برکت الهی و تکمیل و تتمیم نبوت و امامت و رسالت‌های معصومان : ، به لطف وجود و ظهور حضرت مهدی ۴ و با همین راه‌برد و سازوکار صورت خواهد گرفت.

پی نوشت‌ها

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

- ۱ . سورة فتح، آیه ۴.
- ۲ . سورة رعد، آیه ۲۸.
- ۳ . «در حقیقت، چشم‌ها کور نیست لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است». (سورة حج، آیه ۴۶) «دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند». (سورة اعراف، آیه ۱۷۹)
- ۴ . «خدا را فراموش کردند، پس [خدا هم] فراموششان کرد». (سورة اعراف، آیه ۱۷۹)
- ۵ . سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمدباقر همدانی، ج ۱۱، ص ۴۸۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- ۶ . همان.
- ۷ . نک: سورة انعام، آیه ۸۲.
- ۸ . سورة انعام، آیه ۸۲.
- ۹ . نک: *المیزان*، ج ۱، ص ۴۷.
- ۱۰ . نک: همان، ج ۷، ص ۳۸۷.
- ۱۱ . سورة حشر، آیه ۲۳.
- ۱۲ . همان، ج ۱۹، ص ۳۸۲.
- ۱۳ . «آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند». (سورة یونس، آیه ۶۲)
- ۱۴ . *المیزان*، ج ۱۱، ص ۲۱۸.
- ۱۵ . «هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم». (سورة نحل، آیه ۹۷)
- ۱۶ . (أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) «آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود. چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این‌گونه برای کافران آن‌چه انجام می‌دادند زینت داده شده است». (سورة انعام، آیه ۱۲۲)
- ۱۷ . نک: *المیزان*، ج ۷، ص ۴۶۵.
- ۱۸ . «و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یک‌دیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید». (سورة مائده، آیه ۲)
- ۱۹ . «بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد». (سورة بقره، آیه ۱۷۷)
- ۲۰ . *المیزان*، ج ۵، ص ۲۶۶.
- ۲۱ . «الایمان أصل الحق، و الحق سبيل الهدى، و سيفه جامع الحلیة، قیم العدة، الدنيا مضارة...». (محمد محمدی)

- ری شهری، *میزان الحکمة*، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الایمان، ح ۱۲۵۰، قم: مکتبة الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ش)
۲۲. پیامبر 6 می فرماید: «انما سمی المؤمن مؤمناً، لانه یؤمن علی الله فیجیزا امانه». (نک: محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۸، ص ۱۹۶ و ج ۶۷ ص ۶۰، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی تا)
۲۳. «انما سمی المؤمن لآثته یؤمن من عذاب الله تعالی، و یؤمن علی الله یوم القیامة فیجیز له ذلك...» (همان، ج ۶۷ ص ۶۳)
۲۴. *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، ص ۲۰۰، خ ۱۴۷، بند ۱۱، قم: مؤسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۱ش.
۲۵. همان، ص ۳۲۶، خ ۲۲۰.
۲۶. همان، ص ۲۲۴، ح ۳۸۸.
۲۷. قال الله تعالی: «و عزّی و جلالی لا اُجمعُ لعبیدی اَمَنینَ و لا خوفینَ اَنّ هو اَمَنّی فی الدنیا اُخَفَّتْهُ یوم اُجْمَعُ عبادِی و اَنّ هو خافنی فی الدنیا اُمْتُتْهُ یوم اُجْمَعُ عبادِی». (مرتضی فرید تنکا بنی، *نهج الفصاحه*، ص ۵۹، بی جا، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش)
۲۸. «مَن خاف الله خَوَفَ الله من کُلِّ شیءٍ». (همان، ص ۱۳۹)
۲۹. *بحارالانوار*، ج ۷، ص ۲۲۲، باب ۸، ح ۱۳۳.
۳۰. همان، ج ۴۰، ص ۱۶۳، باب ۹۳، ح ۵۴.
۳۱. همان، ج ۷۰، ص ۷۳، باب ۴۵، ح ۲۷.
۳۲. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۳۳. *بحارالانوار*، ج ۹۳، ص ۲۰۳، باب ۵، ح ۴۱.
۳۴. همان، ج ۳، ص ۵، باب ۱، ح ۱۴.
۳۵. همان، ص ۱۶، باب ۱، ح ۱۶.
۳۶. *میزان الحکمة*، ج ۱، ص ۳۳۵ (به نقل از: *کنز العمال*، خ ۷۷۸).
۳۷. *بحارالانوار*، ج ۷۶، ص ۱۱۷، روایت ۴۶، باب ۹۷.
۳۸. «المؤمن غر کریم، مأمون علی نفسه حذر محزون». (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی *غرر الحکم*، ص ۸۹، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۶ش)
۳۹. *بحارالانوار*، ج ۶۷، ص ۳۶۲؛ *الکافی*، ج ۲، ص ۲۴۱.
۴۰. همان، ج ۶۷، ص ۳۰۵.
۴۱. همان، ص ۷۱.
۴۲. «المؤمن شاکرٌ فی السّراء صابر فی البلاء، خائف فی الرّخاء». (*غرر الحکم*، ص ۸۹)
۴۳. *میزان الحکمة*، باب الخوف.
۴۴. همان.
۴۵. «المؤمن الذی نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحة». (*میزان الحکمة*، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۴۳۶)
۴۶. شیخ صدوق، *الامالی*، ص ۲۳۱.
۴۷. علی دوانی، *مهدي موعود* (ترجمه جلد سیزدهم *بحارالانوار*)، ترجمه: حسین بن محمد ولی ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۷، قم: انتشارات مسجد جمکران، چاپ پنجم. (به نقل از: *تفسیر عیاشی*، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۸۱)
۴۸. همان، ص ۲۲۴.
۴۹. علی کورانی، *عصر ظهور*، ترجمه: عباس جلالی، ص ۳۵۷، تهران: سازمان

- تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹. (به نقل از: *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۵۶)
۵۰. همان، ص ۳۶۱. (به نقل از: *کمال الدین*، ص ۳۳۱)
۵۱. سورة آل عمران، آیه ۱۹.
۵۲. سورة آل عمران، آیه ۸۵.
۵۳. *بحارالانوار*، ج ۱۰، ص ۱۰۴.
۵۴. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۱، روایت ۲۹، باب ۲۷.
۵۵. *نهج البلاغه*، خ ۱۳۸، ص ۱۹۰.
۵۶. لطف الله صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ص ۵۹۳، قم: مکتب داوری.
۵۷. برای اطلاع از ویژگی های قرآنی و روایی ایمان و مؤمنان، نک: *میزان الحکمة*، ج ۱، باب الایمان، ص ۲۹۷ ۳۴۲. به عنوان نمونه در آیات زیر ویژگی های مؤمنین ذکر شده است:
- سورة توبه، آیه ۷۱؛ سورة یوسف، آیه ۱۰۶؛ سورة مؤمنون، آیه ۱ و ۱۱؛ سورة قصص، آیه ۵۲؛ سورة سجده، آیه ۱۵ و ۱۹؛ سورة شوری، آیه ۳۶ و ۴۰؛ سورة فتح، آیه ۲۹؛ سورة بینه، آیه ۵ و ۸.
۵۸. هم چنین امام علی 7 در جای دیگر چهار ستون ایمان را صبر، یقین، جهاد و عدالت ذکر کرده است. (نک: *بحارالانوار*، ج ۷۸، ص ۶۳، ج ۷۲، ص ۳۳، ج ۶۸ ص ۲۸۸)
۵۹. *میزان الحکمة*، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۳۵۱.
۶۰. *بحارالانوار*، ج ۶۹، ص ۱۷۵.
۶۱. *میزان الحکمة*، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱۴۷۲.
۶۲. «حرام علی قلوبکم أن تعرف حلاوة الایمان حتّی ترهّد فی الدنیا». (*الکافی*، ج ۲، ص ۱۲۸)
۶۳. «و قد یرخر من الایمان بخمس جهات من الفعل، کلّها متشابهات معروفات: الکفر، و الشّکر، و الضّلال، و الفسق، و رکوب الکبائر». (حسن بن شعبه حرّانی، *تحف العقول*، ص ۳۳۰، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق)
۶۴. *بحارالانوار*، ج ۱۳، ص ۳۶۰، باب ۱۱، ح ۷۲.
۶۵. *میزان الحکمة*، باب الخوف، ش ۱۵۳.
۶۶. میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، باب ۵۱، ج ۸، ص ۲۴۶، ح ۹۳۶۱، قم: مؤسسه آل البيت : لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۶۷. نک: همان.
۶۸. *بحارالانوار*، ج ۸۹، ص ۳۴۹، باب ۴، ح ۲۶.
۶۹. همان، ج ۹۰، ص ۱۴۵.
۷۰. نک: همان، ج ۹۴، ص ۳۸۲، باب ۵۲، ح ۳.
۷۱. «عن ابی الحسن 7: من أتى قبر الحسین 7 فی السّنة ثلاث مرّات أمن من الفقر». (شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۱۴، ص ۴۳۸، باب ۴۰، ح ۱۹۵۵۰، قم: مؤسسه آل البيت: لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق)
۷۲. «حَنَکُوا أَوْلَادَکُمْ بِتربةِ الحسین 7 فَإِنَّهُ أَمَانٌ». (*بحارالانوار*، ج ۱۰۱، ص ۱۲۴، باب ۱۶، ح ۲۴)
۷۳. همان، ج ۸۶، ص ۳۰۰، باب ۴۵، ح ۶۲.
۷۴. همان، ج ۲۳، ص ۳۷، باب ۱، ح ۶۴.
۷۵. همان، ص ۲۴۶، باب ۱۳، ح ۱۶.
۷۶. همان، ج ۲۶، ص ۲۵۱، باب ۵، ح ۲۲.
۷۷. همان، ج ۲۷، ص ۳۰۸، باب ۸، ح ۱۳.
۷۸. همان، ج ۳۶، ص ۳۴۱، باب ۴۱، ح ۲۰۷.
۷۹. همان، ج ۲۳، ص ۵، باب ۱، ح ۱۰.